

Original Article

Investigating the role and challenges of the presence of counselors and social workers during the criminal proceedings of children and adolescents (with a case study of Ardabil city)



Milad Jahani Janaghard

Master student of criminal law for children and adolescents, University of Tehran, Iran



Citation Milad Jahani Janaghard, **Investigating the role and challenges of the presence of counselors and social workers during the criminal proceedings of children and adolescents (with a case study of Ardabil city)**, *J. Law Political Stud.*, 2021, 1(3), 218-232.

<https://doi.org/10.22034/jlps.2021.3.5>

**Article info:**

Received: 5 September 2021

Accepted: 1 November 2021

Available Online: 1 November 2021

ID: JLPS-2110-1019

Checked for Plagiarism: Yes

Keywords:

Counselor, social worker, juvenile court, differentiation, Ardabil city

ABSTRACT

The presence of counselors and social workers during the juvenile criminal proceedings is very important and undeniable. Accordingly, a discriminatory policy on children and adolescents will provide a supportive approach to adopting responses. Social workers and counselors, as the most clinical forensic agents and in line with the principles of participatory juvenile justice, can take on several roles from the child's first contact to the official criminal justice authorities for sentencing and execution, even after sentencing. The importance of paying attention to the presence of counselors and social workers is so great that it has been emphasized in many international documents on children and adolescents; In addition, the Iranian legislature has mentioned this important issue in the Criminal Procedure Code adopted in 1392 in various legal articles. However, in practice, it is sometimes observed that the presence of this group of people in the juvenile courts of Ardabil city faces challenges that in fact the way to achieve the goals set by the legislator in order to differentiate has been challenged. Is; By providing appropriate solutions in this regard and the cooperation of supervisory units, these challenges can be reduced to some extent so that their presence during the trial in juvenile criminal courts of Ardabil city becomes a requirement.

بررسی نقش و چالش های حضور مشاوران و مددکاران اجتماعی در جریان دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان (با مطالعه موردی شهرستان اردبیل)

میلاذ جهانی جناقرد

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان دانشگاه تهران، ایران

Use your device to scan and read the article online



ارجاع میلاذ جهانی جناقرد، بررسی نقش و چالش های حضور مشاوران و مددکاران اجتماعی در جریان دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان (با مطالعه موردی شهرستان اردبیل)، نشریه حقوق و مطالعات سیاسی، دوره ۱، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۰: ۲۱۸-۲۳۲.

 <https://doi.org/10.22034/ilps.2021.3.5>

چکیده



اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴ شهریور ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۰ آبان ۱۴۰۰

تاریخ آنلاین شدن: ۱۰ آبان ۱۴۰۰

کد مقاله: JLPS-2110-1019

کلیدواژگان:

مشاور، مددکار اجتماعی، دادگاه اطفال و نوجوانان، افتراقی سازی، شهرستان اردبیل

حضور مشاوران و مددکاران اجتماعی در جریان دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان امری بسیار مهم و غیرقابل انکار است. بر همین مبنا سیاست افتراقی درباره اطفال و نوجوانان، رویکردی حمایتی را در اتخاذ به پاسخ‌ها به همراه خواهد داشت. مددکاران اجتماعی و مشاوران به‌عنوان بالینی‌ترین مأموران پیرا قضایی و در راستای اصول مشارکتی بودن دادرسی اطفال می‌توانند نقش‌های متعددی از اولین تماس کودک به مراجع رسمی عدالت کیفری ت صدور حکم و اجرای مجازات و حتی بعد از صدور حکم نیز بر عهده گیرند. اهمیت توجه به حضور مشاوران و مددکاران اجتماعی تا حدی است که در بسیاری از اسناد بین‌المللی در خصوص اطفال و نوجوانان مورد تأکید قرار گرفته است؛ و علاوه بر آن قانون‌گذار ایران در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ در مواد قانونی مختلف به این امر مهم اشاره کرده است. باین‌وجود گاهی در عمل مشاهده می‌شود که حضور این طیف از اشخاص در دادگاه‌های اطفال و نوجوانان شهرستان اردبیل با چالش‌هایی مواجه است که در واقع راه رسیدن به اهداف پیش‌بینی‌شده قانون‌گذار در راستای افتراقی سازی را با چالش روبه‌رو کرده است؛ که می‌توان با ارائه دادن راهکارهای مناسب در این راستا و همکاری واحدهای ناظر تا حدودی از این چالش‌ها کاست به‌گونه‌ای که حضور ایشان در جریان دادرسی در دادگاه‌های کیفری اطفال و نوجوانان شهرستان اردبیل به‌عنوان یک الزام تبدیل گردد.

مقدمه

آیه ۴۹ از سوره مبارکه شورا از فرزند به‌عنوان «هبه الهی» یادشده است جایی که می‌فرماید: «يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ اَنۡثًا وَّ يَهَبُ لِشَاءِ الذَّكۡوٰرِ»؛ «به هر که خواهد فرزندان اناث (دختر) و به هر که خواهد فرزندان ذکور (پسر) عطا می‌کند». جامعه شناسان به عوامل مستقیم و غیرمستقیم محیط و تراکم جمعیت، وضع سکونت و... توجه کرده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد وقتی که در جامعه‌ای ثبات و پایداری اجتماعی وجود نداشته باشد میزان جرم رو به افزایش می‌گذارد. فقر نیز از عوامل مهم انحرافات

کودکان و نوجوانان در تمام ابعاد اجتماعی نیازمند توجه خاص و متفاوت از بزرگسالان هستند. اهمیت توجه به کودکان به قدری است که خداوند متعال در آیات متعددی اکرام آنان را مورد توجه قرار داده است. از جمله‌ی موارد می‌توان به آیه‌ی ۱۷ از سوره مبارکه فجر اشاره کرد که می‌فرماید: «كُلًّا بَلِّ لَاتُكْرِمُونَ اٰلِیْتِمٰم» در این آیه افرادی را به عذاب الهی دچار شده‌اند و به خاطر عدم اکرام یتیم سرزنش می‌کند. همچنین در

میزان قابل توجهی به روند اجرای صحیح برنامه‌های پیشگیری در سنین رشد و کودکی مرتبط است. لذا هدف از پیشگیری، ایجاد محیط سالم است که کودک یا نوجوان بتواند در آن رشد و توسعه پیدا کند. در این مرحله باید، دولت‌ها، نهادها و کارکنان صاحب صلاحیت، سازوکارهایی به منظور هماهنگ ساختن مناسب اقدامات پیشگیری، روش عملی مبتنی بر پژوهش با کنترل مداوم و ارزیابی دقیق، روش‌هایی برای کاهش مؤثر فرصت‌های ارتکاب جرم، دخالت جامعه از راه انواع گسترده‌ی خدمات و برنامه‌ها، همکاری ملی منطقه‌ای، مشارکت نوجوانان در سیاست‌ها و فرآیندهای پیشگیری با توسل به منابع و امکانات اجتماع و همچنین خودیاری نوجوانان و برنامه‌های معاضدت و جبران خسارت بزه دیده انجام دهند (دان سیمور و همکاران، ۲۰۰۲: ۱۲۲).

این میان نقش نهادها و سازمان‌های مجری این نوع از پیشگیری و همچنین کارایی و اثربخشی برنامه‌های این گونه از نهادها بیش از گذشته آشکار می‌شود.

– نقش مشاوران و مددکاران اجتماعی در پیشگیری

سطح اول

پیشگیری نخستین یعنی مصون کردن افراد از رهگذر مبارزه با همه‌ی زمینه‌های ارتکاب جرم که چارچوب توسعه‌ی اجتماعی قرار می‌گیرند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۳: ۱۴۹-۱۵۰) در این مرحله از پیشگیری، تلاش بر این است که افراد جامعه به‌سوی ارتکاب جرم گرایش پیدا نکنند. هدف در این سطح از پیشگیری، بهبود شرایط زندگی به‌منظور عدم مجرم شدن افراد و همچنین تولید ارزش‌هایی است که روابط سالم را بهبود بخشد. در پیشگیری اولیه، بیشتر توجه به رویداد جرم معطوف است تا مجرم تحریک‌شده، این رویکرد به نظریه شیوه‌ی زندگی هیندل لانگ نیز ارتباط داده‌شده است (بیات، ۱۳۸۷: ۲۵).

اصولاً در ارتباط با پیشگیری از بزهکاری اولین مسئله این است که اگر همه‌ی سازمان‌ها با همدیگر همکاری نکنند، امکان توفیق مورد انتظار وجود ندارد. به لحاظ علمی سه

در میان کودکان و نوجوانان است احتمال می‌رود مهم‌ترین عامل روش تربیتی نادرست و اختلال در شبکه ارتباطی و عاطفی خانواده است. دیده‌شده است بزهکاری در خانواده‌هایی وجود دارد که والدین از روش‌های انضباطی بسیار سخت‌گیرانه یا بسیار بی‌بندوبار استفاده می‌کنند. به‌جای استدلال از تنبیه بدنی بهره می‌گیرند. خانواده‌های کودکان بزهکار اغلب فاقد پدر بوده یا پدر غیبت طولانی دارد. درحالی‌که بزهکاری با طلاق در خانواده همبستگی دارد ثابت‌شده داشتن مشکلات در مدرسه با بزهکاری رابطه دارد. همانندسازی با همسالان عامل مهمی در بزه است. نوجوانی که توسط والدین طرد می‌شود برای کسب حمایت و تأیید به‌سوی همسالان کشانده می‌شود. بر همین مبنا، روش صحیح برخورد با کودکان و نوجوانان بزهکار، نوعی تربیت محسوب می‌شود که نظام مشخص آن به اقتضای شرایط اجتماعی زندگی امروزی و با توسل به اصول علمی و عقلی و مبتنی بر جوهره و ذات معارف ژرف اسلامی باید تدوین و ارائه گردد. بر همین اساس، نحوه رسیدگی و پاسخ‌دهی به جرائم کودکان و نوجوانان در قالب مقررات ویژه، شکل‌گیری الگوی دادرسی کودکان و نوجوانان را سبب شده است که هم در بعد ماهوی (مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی) و هم بعد شکلی (نحوه تحقیقات مقدماتی و محاکمه) مورد توجه قرار گرفته است.

حضور مشاوران و مددکاران اجتماعی نیز یکی از موارد افتراقی سازی دادرسی اطفال و نوجوانان محسوب می‌شود که در این پژوهش سعی خواهد شد با ابعاد مختلف آن آشنا شویم.

۱- نقش مشاوران و مددکاران اجتماعی پیش از ارتکاب

بزه

در عرصه‌ی سیاست جنایی و جرم‌شناسی پیشگیرانه، پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان، جایگاه و موقعیتی ممتاز دارد. اهمیت این نوع پیشگیری تا حدی است که موفقیت برنامه‌های کلان کنترل جرم و انحراف در جامعه تا

کنند. مددکاران اجتماعی می‌توانند نقش بسیار مهمی در چارچوب موضوع فوق داشته باشند و در این سیستم مشاور و مددکار تلاش شود تا کودک در همان محیطی باشد که لازم است مورد مساعدت و حمایت‌های مقتضی واقع شوند و سعی کنند تا قبل از سروکار داشتن نوجوانان با دادگاه راه‌حلی برای مشکل آنان پیدا کنند. امروزه تمامی نظام‌های دادرسی نوین نوجوانان تلاش می‌کنند تا تمهیداتی را اتخاذ کنند که تا حد امکان کودک معارض قانون با دادگاه و قاضی مواجه نشود (کدخدایی، ۱۳۹۶: ۶۴-۶۳).

اما در شهرستان اردبیل باتوجه به توضیحاتی که ارائه شد می‌توان گفت که نهادی که این وظیفه را باید بر عهده داشته باشد و قبل از ارتکاب جرم توسط طفل یا نوجوان دخالت کند وجود ندارد و بیشتر مربوط به مرحله‌ی بعد ارتکاب جرم است. البته با مصاحبه‌ای که با ریاست محترم کانون اصلاح و تربیت شهرستان اردبیل صورت گرفت به گفته ایشان اقداماتی را در راستای پیشگیری سطح اول انجام داده‌اند که می‌توان از آن‌ها به مواردی از قبیل توجیه خانواده‌ی کودکانی که در معرض آسیب و جرم هستند، برگزاری کلاس‌های مشاوره‌ای متعدد در زمینه‌های آگاهی‌سازی برای خانواده‌ها و کودکان و نوجوانان، چاپ و تدوین یادداشت‌های کوتاه و در اختیار قرار دادن آن‌ها به خانواده‌ها در راستای شناخت عوامل جرم‌زا و کانون‌های بزهکاری اشاره کرد. البته به نظر می‌رسد اقدامات فوق در راستای فراهم کردن یک جامعه‌ی بدون جرم زیاد کارآمد نباشد ولی اقدامات فوق نیز در مقایسه شهرستان اردبیل با سایر شهرستان‌های با این قبیل از مشکلات روبرو هستند قابل‌درک نیست و نیازمند توجه و پیشرفت آن است.

- نقش مشاوران و مددکاران اجتماعی در پیشگیری

سطح دوم

پیشگیری دومین یعنی به‌کارگیری شیوه‌هایی برای حمایت از افراد در آستانه‌ی خطر مانند معتادان، ولگردان و کودکان بی‌سرپرست و خیابانی (خواجه‌نوری، ۱۳۸۶: ۴۸-۴۷).

مرحله‌ی متفاوت برای پیشگیری می‌توان در نظر گرفت؛ مرحله‌ی نخست، پیشگیری اولیه است که در آن کل جامعه دخیل هستند که شامل کلیه‌ی سیاست‌ها و طرح‌هایی است که برای پیشگیری از شرایط جرم‌زا طراحی شده‌اند. در این زمینه خانواده و مدارس و رسانه‌های گروهی ارکان بسیاری مهمی هستند که باید موردتوجه قرار گیرند. برای پیشگیری از بزهکاری دارا بودن دو شرط حائز اهمیت است. یکی این‌که مشاوران و مددکاران و پلیس باید بچه‌ها را دوست داشته باشند و دیگر اینکه حرفه‌ای و متخصص باشند؛ زیرا آن‌ها با بزرگسالان متفاوت‌اند و باید با زبان خود آن‌ها با آنان صحبت کرد، (کشفی، ۱۳۸۷: ۲۸).

در این مرحله سازمان‌ها و ارگان‌های ذی‌ربط مثل آموزش و پرورش که بیشترین ارتباط را با کودکان و نوجوانان دارند باید توسط مددکاران اجتماعی از خواسته‌ها و نیازهای مددجویان مطلع شوند و سعی در رفع آن‌ها نمایند تا بتوان با افزایش سطح رفاه زندگی، آگاهی کودکان و نوجوانان از ارتکاب جرم توسط آنان در آینده جلوگیری شود. در کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد بین‌المللی و قوانین و مقررات جاری کشورمان به چهار موضوع مهم اشاره شده است. این چهار موضوع به چهار P مشهور است. تحت عنوان نیازهای اولیه کودکان، حمایت، پیشگیری و مشارکت. در ارتباط با فراهم کردن نیازهای کودکان، کنوانسیون خواستار تدوین مقرراتی است که بر اساس آن‌ها نیازهای اساسی کودک همانند حق زندگی، بهداشت، تحصیل و... تأمین شود. حمایت نیز به این معنی است که در برابر برخی امور همانند بازداشت خودسرانه، شکنجه، استثمار، حمایت‌های لازم از کودکان به عمل آید. پیشگیری مبتنی بر این اندیشه است که پیشگیری از بزهکاری نوجوانان نه فقط بر عهده‌ی برخی افراد و صاحبان مشاغل و حرف خاص، بلکه بر عهده‌ی کل افراد جامعه است و به‌نوعی مسئولیت همگانی است؛ و مشارکت نیز به این معنی است که کودکان و نوجوانان باید این فرصت را داشته باشند که عقاید خود را ابراز و دیگران به عقاید و نظرات آنان توجه

- توافق (توافق بزه دیده و بزه‌کار بر سر نحوه‌ی جبران خسارت و پاسخ به بزه)،

- حمایت (تأکید بر جنبه‌های حمایتی این فرآیند، حمایت از بزه‌دیده- حمایت از بزه‌کار و اشخاص آسیب‌پذیر،

- غیرعلنی و محرمانه بودن؛ با این توضیح که در اصل ۱۴ اصول پایه‌ای آمده است؛ گفتگوهای فرآیند ترمیمی که در حضور عموم اجرا نمی‌شود، بایستی محرمانه باقی بماند و پس‌از آن نباید افشا شود، به‌جز در مواردی که طرفین توافق کرده باشند و یا قانون ملی آن را لازم بداند (شیری، ۱۳۸۶: ۳۱).

حال مشاوران و مددکاران اجتماعی باتوجه‌به نوع جرم و سن طفل بزه‌کار بایستی عناصر تشکیل‌دهنده‌ی عدالت ترمیمی را مدنظر قرار دهند. در جرائم مهم یعنی جرائم خشونت‌آمیز، ترومیستی، جرائم سازمان‌یافته و نظایر آن کماکان به عدالت سزا دهنده نیاز است و فرآیندهای ترمیمی کارایی نداشته و منجر به افزایش بزه‌کاری در جامعه خواهد شد؛ اما در جرائم ساده و کم‌اهمیت که عمدتاً ناظر به نقض حقوق افراد است، به‌ویژه زمانی که بزه‌کار نوجوان است یا برای بار اول مرتکب بزه می‌شود، استفاده از فرآیندهای ترمیمی سودمند خواهد بود؛ بنابراین باتوجه‌به اینکه رویکرد عدالت ترمیمی بسیار حائز اهمیت است به این معنا که مرجع یا نهادی که بتواند به پیشگیری سطح دوم کمک نماید در اینجا وجود ندارد و اغلب نهادها و سازمان‌های مذکور صرفاً بعد از ارتکاب جرم دخالت می‌کنند که این موضوع نیازمند بررسی است. باین‌حال می‌توان با ایجاد یک‌نهاد رسمی در شهرستان اردبیل زیر نظر دادگستری کل استان، اطفال و نوجوانانی که در سطح شهر یا در داخل خانواده‌ها در معرض آسیب و بزه‌کاری هستند را شناخت در راستای توجیه آنان و پیشگیری از ارتکاب جرم توسط آنان میانگین بزه‌کاری را در این طیف از اشخاص کاهش داد.

در این نوع پیشگیری، هدف آن است که با به‌کارگیری تدابیر مناسب زود هنگام، از وقوع جرم توسط افرادی که در شرایط بحرانی به سر می‌برند و احتمال بزه‌کاری از سوی آن‌ها وجود دارد پیشگیری شود.

در همین راستا؛ مشاوران و مددکاران اجتماعی می‌توانند مهم‌ترین نقش را در اجرای عدالت ترمیمی به‌خصوص مواقعی که با کودکان و نوجوانان یا سایر دعاوی خانوادگی روبه‌رو هستند داشته باشند. بر اساس آمارهای معاونت اجتماعی ناجا تا پایان سال ۱۳۸۱، رقمی معادل ۵۸ درصد پرونده‌های ارجاع شده به مراکز مشاوره به مصالحه منجر و مختومه شدن نیمی از همهی این مصالحه‌ها؛ به امور خانوادگی مربوط می‌شد (حسامی، ۱۳۸۴: ۲۸۰).

در تعریف عدالت ترمیمی هوارد زهر این‌گونه می‌نویسد: «عدالت ترمیمی فرآیندی است که برای درگیر نمودن کسانی که سهمی در یک جرم خاص دارند- تا آنجا که امکان‌پذیر است- تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان‌ها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور به‌اندازه‌ای که امکان‌پذیر است اقدام نمایند... (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳)

چند سالی است که تحت تأثیر یافته‌های بزه دیده شناسی و باتوجه‌به کارایی نامطلوب عدالت کیفری در زمینه‌های بازدارندگی و بازپروری بزه‌کاران، اجرای عدالت ترمیمی در نظام کیفری مورد توجه قرار گرفته است. در عدالت ترمیمی باید قطعات و عناصری کنار یکدیگر قرار گیرند که سازنده یک مدل ترمیمی باشد که این عناصر عبارت‌اند از:

- داوطلبانه بودن (نیاز به شرکت داوطلبانه بزه دیده و بزه‌کار).

- اظهار حقیقت (بحث بر سر پذیرش گناهکاری و اظهار ندامت و باز پذیر کردن دوباره طفل).

- رودررویی بزه دیده و بزه‌کار رودرروی یکدیگر و با کمک و مساعدت میانجی، تسهیل‌کننده اعضای خانواده، مشاوران حقوقی و... به نقل ماجرا پردازد.

- نقش مشاوران و مددکاران اجتماعی پس از ارتکاب

بزه (پیشگیری سطح سوم)

تحقق دادرسی ویژه‌ی اطفال زمانی امکان‌پذیر است که از یک طرف، نهادهای ویژه‌ی این دادرسی منطبق با مقررات بین‌المللی تأسیس شود و از طرف دیگر، آیین دادرسی افتراقی برای اطفال و نوجوانان در نظر گرفته شود. در نظام کیفری دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان علاوه بر لزوم به‌کارگیری نیروهای متخصص، آموزش‌دیده و علاقه‌مند و در نظر گرفتن اصل فردی کردن پاسخ‌ها و واکنش‌ها اعمال اصل مشارکتی بودن نیز توصیه‌شده است که یکی از ابعاد این اصل مشارکت نهادهای غیر کیفری در راستای کمک به اصلاح و بازپروری کودکان بزهکار است. حصول اهداف نظام دادرسی اطفال بدون مشارکت چنین نهادهایی امکان‌پذیر نخواهد بود. مددکاران اجتماعی می‌توانند با مشارکت خود در فرآیند کیفری از مرحله‌ی کشف جرم تا اجرای احکام و حتی پس‌از آن نیز با شناختی که از طفل و نوجوان دارند، این نظام را در رسیدن به اهدافش یاری نمایند.

در این گفتار، طی بندهای جداگانه به بررسی نقش و اهمیت مداخله مشاوران و مددکاران اجتماعی در مراحل مختلف دادرسی کیفری ویژه اطفال و نوجوانان پرداخته می‌شود.

۲- نقش مشاور و مددکار اجتماعی در تشکیل پرونده‌ی

شخصیت و دادرسی

قانون آیین دادرسی کیفری در رأس یکی از مهم‌ترین قانون‌های زیربنایی کشور و در راستای ایجاد و برقراری نظم عمومی، امنیت اجتماعی و همچنین دست‌یابی به عدالت کیفری، تدوین، تنظیم و اجراشده است. البته و اگرچه بعد از انقلاب این قانون چندین بار به‌درستی دچار تغییر فراوان شده و موردبازنگری قرار گرفته است؛ اما از تمام این تغییرات و بازنگری‌ها که همگی باهدف سازمان‌دهی نظام دادرسی کیفری، تحقق عدالت کیفری و همچنین رعایت حقوق

شهروندی انجام‌شده است، لزوماً نتیجه‌ی مورد انتظار حاصل نیامده است.

رعایت عدالت کیفری از مهم‌ترین جنبه‌های رسیدگی به پرونده‌ی متهمین است. اگرچه قانون‌گذار تمام سعی خود را صرف تدوین قانونی نموده است که منجر به ایجاد امنیت اجتماعی و عدالت قضایی در جامعه گردد و از حقوق آحاد جامعه در مقابل ناهنجاری‌ها مجرمین و متجاوزان، به حقوق افراد دفاع نماید، اما در همین قانون به رعایت حقوق متهم، احترام به حقوق شهروندی و ایجاد شرایطی برای دفاع متهم از وضعیت خود نیز در نظر گرفته است. مواد بسیاری در قانون جدید بر اهمیت توجه به حقوق انسانی متهمین و محکومین اشاره‌شده است که ازجمله‌ی آن‌ها می‌توان به نقش مددکاری اجتماعی اشاره داشت. بر اساس دیدگاه دین مبین اسلام، نگاه به انسان در قانون آیین دادرسی کیفری صرف‌نظر از هرگونه رفتار، چگونگی عملکرد او و هر جایگاهی که در جامعه دارد، نگاهی سمین از سخاوت و بر اساس احترام و کرامت انسانی است که در شکل کلی ماهیتی از مددکاری در خود دارد. از این جنبه و در خصوص افرادی که به هر دلیل مرتکب بزه و یا رفتار خلاف قانون شده‌اند، توجه به جنبه‌های شخصیتی افراد و حفظ شأن انسانی از اهمیت بالایی برخوردار است. در همین راستا و در روند مراحل بازپرسی، با کمک از سایر افراد و کارشناسان در جهت شناخت دقیق‌تر از وضعیت متهم از نظر پیشینه‌ی خانوادگی، تاریخچه‌ی فردی و سوابق مهارت‌های روانی اقداماتی صورت گرفته و موردمطالعه قرار می‌گیرد تا قضات با مرور و بررسی وضعیت متهم از جمیع جهات، قضاوتی عادلانه‌تر و حکمی متناجس‌تر برای جرم و مجرم صادر نمایند (صدرزاده، ۱۳۶۶: ۲۳).

البته همین موضوع در دادگاه‌های کیفری اطفال و نوجوانان شهرستان اردبیل با چالش‌های بسیار متعددی روبرو است که در ادامه به آن‌ها پرداخت خواهد شد.

مرحله‌ی رسیدگی و صدور حکم از اهمیت ویژه‌ای در دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان بزهکار برخوردار است، در

ماده ۲۰۳ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نحوه‌ی ورود مددکاری اجتماعی در پرونده‌های کیفری را به شرحی مشخص نموده است که در مجازات قانونی جرائمی اعم از سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیرات درجه-ی چهارم و بالاتر است. همچنین در جنایت عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن‌ها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده‌ی شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر نماید. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده‌ی عمل مجرمانه تشکیل می‌گردد حاوی مطالب زیر است:

۱- گزارش مددکاری اجتماعی در خصوص وضع

مادی، اجتماعی و خانوادگی متهم

۲- گزارش پزشکی و روان‌پزشکی

بر طبق آنچه از مفهوم ماده‌ی فوق برمی‌آید قانون‌گذار، به بازپرسان تکلیف نموده تا در تعداد زیادی از انواع جرائم که عمدتاً جرائم سنگین را شامل می‌شود از نظرت مددکاران اجتماعی به‌عنوان مولول و مؤکد پرونده و در قالب تشکیل پرونده‌ی شخصیتی استفاده نمایند. آنچه به‌عنوان محتویات یا اطلاعاتی که مددکار باید در قالب پرونده‌ی شخصیتی نسبت به جمع‌آوری و بررسی آن‌ها اقدام نمایند به دو بخش تقسیم و اطلاعات موردنیاز در هر بخش مشخص گردیده است. در خصوص مبحث اول این ماده که در حیطه‌ی وظایف مددکاران اجتماعی است موضوع کار ارائه‌ی گزارشی از وضعیت مادی، جایگاه اجتماعی و سطح خانوادگی افراد متهم است. صلاحیت علمی و تخصصی نیروهای مددکار اجتماعی در کارگروه‌های تخصصی نسبت به طراحی پرسشنامه‌ها و فرم‌های مربوطه، با برگزاری کارگاه‌های آموزشی نسبت به آموزش و توجیه مددکاران در جهت اجرای دقیق و مستند و پرونده‌ی شخصیتی برنامه‌ریزی و سپس اقدام نمایند؛ اما در خصوص مبحث دوم از محتویات پرونده‌ی شخصیت که ناظر به گزارش پزشکی و روان‌پزشکی تکمیل و سرانجام وضعیت متهمین از نظر سلامت

این مرحله مشخص می‌شود که نظام عدالت کیفری چقدر توانسته است حقوق و منافع این افراد را تأمین کند. دادگاه برای بررسی وضعیت طفل بزه‌کار و خانواده او از لحاظ روانی، تحصیلی، اجتماعی، اقتصادی و... نیازمند تشکیل پرونده‌ی شخصیت و استفاده از نظر کارشناسان خبره در این زمینه از جمله مددکاران اجتماعی است. مددکار اجتماعی با تشکیل پرونده‌ی شخصیت، می‌تواند قاضی را در صدور حکم مناسب حال متهم باهدف پیشگیری از بزه‌کاری و ترمیم آثار آن، یاری رساند. در شهرستان‌هایی که دارای دادگاه اطفال و نوجوانان هستند این دادگاه با حضور یک قاضی و مشاور تشکیل می‌شود و نظر مشاور مشورتی است (مستند ماده‌ی ۲۹۸ ق.آ.د.ک ۹۲)؛ و رئیس دادگستری یا رئیس کل دادگاه‌های شهرستان مرکز استان، در هر استان و هر حوزه حسب مورد، ریاست دادگاه‌های اطفال و نوجوانان را بر عهده دارد (مستند ماده‌ی ۴۰۸ ق.آ.د.ک ۹۲).

مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی، روان‌شناسی، جرم‌شناسی، مددکاران اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روان‌شناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از افراد شاغل و بازنشسته انتخاب می‌شوند (ماده‌ی ۴۱۰ ق.آ.د.ک ۹۲).

برای انتخاب مشاوران، رئیس حوزه‌ی قضایی هر محل برای هر شعبه حداقل ۸ نفر مرد و زن که واجد شرایط مندرج در این ماده بدانند را، به رئیس کل دادگستری استان پیشنهاد می‌کند. رئیس کل دادگستری استان از بین آنان حداقل چهار نفر را برای مدت دو سال به این سمت منصوب می‌نماید. انتخاب مجدد آنان بلامانع است (تبصره‌ی یک ماده‌ی ۴۱۰ ق.آ.د.ک ۹۲).

شایان ذکر است حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری، برای رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه‌ی رسیدگی به جرائم آنان الزامی است (تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۳۱۵ ق.آ.د.ک ۹۲).

و حمایت از والدین است که ممکن است از آن‌ها خواسته شود که به دادگاه در رسیدن به توصیه‌هایی برای مواردی که به آن‌ها ارجاع شده است کمک کنند، در زمان ارائه‌ی این توصیه‌ها اصول غنی در کنوانسیون حقوق کودک و سایر استانداردهای ملی و بین‌المللی باید مدنظر قرار گیرد. با الهام از این اسناد بین‌المللی لایحه‌ی رسیدگی به جرائم اطفال در بعضی موارد حضور پلیس و مشاوران و مددکاران اجتماعی را در مراحل رسیدگی لازم دانسته است؛ که قضات محترم دادگاه‌های شهرستان اردبیل می‌توانند با الهام گرفتن از این موارد حضور و دخالت مددکاران را در مرحله اجرای حکم بیش‌ازپیش موردتوجه و نظارت قرار دهند.

در ماده‌ی ۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده است تعویق مراقبتی همراه با تدابیر زیر است:

الف) حضور به‌موقع در زمان و مکان تعیین‌شده توسط مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر.

ب) ارائه‌ی اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل‌کننده‌ی نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی.

پ) اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه‌جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه‌ی گزارش از آن به مددکار اجتماعی.

لازم به ذکر است تعویق صدور حکم مربوط به جرائمی می‌شود که پس از احراز مجرمیت متهم باملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و سوابق و اوضاع و احوال و... صدور حکم برای ایشان به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق می‌افتد که البته صدور این نوع حکم شرایط خاصی نظیر فقدان سابقه کیفری مناسب، جبران ضرر و زیان، پیش‌بینی اصلاح مرتکب و... دارد. مجدداً در ماده‌ی ۴۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در این خصوص آمده است که پس از گذشت مدت تعویق باتوجه‌به میزان پابندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارش‌های مددکاری اجتماعی و نیز وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند. همان‌طور که در قوانین مرتبط با مواد تعویق

جسمی و روانی موردبررسی قرار گیرد؛ که به نظر می‌رسد قانون‌گذار نحوه‌ی تشکیل مبحث دوم از پرونده‌ی شخصیتی افراد صلاحیت‌دار و نحوه‌ی جذب و تعامل آن‌ها در خصوص پرونده‌ی شخصیتی متهم را مشخص نکرده است؛ که این امر می‌تواند در روند اجرا و تشکیل پرونده‌ی شخصیتی باعث بروز مانع گردد (کدخدایی، ۱۳۹۶: ۷۳)

البته با در نظر گرفتن این نکته که از تاریخ تیرماه سال ۱۳۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ لازم‌الاجرا گردیده است؛ اما در خصوص اجرای ماده‌ی ۲۰۳ به خاطر عدم وجود زیرساخت‌های لازمی موردنظر، فقدان تشکیلات اداری و همچنین عدم جذب نیروهای متخصص، با مشکلاتی مواجه شده است؛ که با مصاحبه‌هایی که با قضات محترم دادگاه اطفال و نوجوانان شهرستان اردبیل صورت گرفت مشکلات و چالش‌های فوق در این دادگاه‌ها نیز قابل‌رؤیت است و از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به عدم جذب نیروی‌های متخصص اشاره کرد.

۳- نقش مشاور و مددکاری در مرحله‌ی اجرای حکم

مددکاران نقش کمک‌رسانی به مددجویان را دارند و یکی از وظایف مهم مددکاران ارتباط با مسئولان و مراجع قضایی است که نقش و اهمیت این قشر از جامعه را در کاهش جمعیت کیفری نشان می‌دهد. نقش مشاوران و مددکاران اجتماعی در این مرحله می‌تواند در مرحله‌ی قانونی استفاده از روش‌های میانجی‌گری کیفری باشد. در جرائم کوچک و کم‌اهمیت در مواردی که اطفال و نوجوانان، مرتکب جرائم می‌شوند، لازم است که با پرهیز از دادرسی، موضوع را به میانجی‌گری ارجاع کرد. یکی از موضوعات شورای حکمیت، شورای داوری است که در جرائم اطفال و نوجوانان می‌تواند در قوانین کیفری لحاظ شود. ازجمله موارد مهم برای مددکاران اجتماعی در نظر گرفتن سن مسئولیت کیفری، نوع جرم و سپس تشکیل پرونده‌ی قضایی است. آن‌ها باید اطمینان حاصل کنند که کودکان بزهکار از حمایت‌های لازم برخوردارند، این حمایت‌ها شامل؛ حمایت‌های روانی، حقوقی

به صورت مستقیم به مددکاری اجتماعی اشاره نشده بود اما با شکل‌گیری کانون‌های اصلاح و تربیت و نگارش آیین‌نامه‌ی آن کم‌کم مددکاری اجتماعی جایگاه خود را در تشکیلات سازمانی کانون اصلاح و تربیت پیدا نمود. از فصل دهم قانون مجازات اسلامی که به مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان معارف با قانون پرداخته است، تغییرات چشم‌گیر و روبه‌رشدی که منافع عالیه کودکان در آن لحاظ شده است در این قانون مشاهده می‌شود. در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آمده است؛ درباره‌ی اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب نه تا پانزده سال تمام شمسی است. برحسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات نظیر «تسليم به والدین با اولیا یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مراقبت در حسن اخلاق طفل و نوجوان» را اتخاذ می‌کند. در تبصره همین ماده ذکر شده است که دادگاه هرگاه مصلحت بداند می‌تواند برحسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناسان و دیگر متخصصان بگیرد. همچنین در تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۸۸ آمده است که دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند باتوجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع اطفال یا نوجوان و رفتار او هرچند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید.

رویکرد نوین قوه‌ی قضائیه به استفاده از مددکاران اجتماعی و ظرفیت حرفه‌ی مددکاری اجتماعی در کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و مراکز تأمینی و اعتماد به توان تخصصی مددکاران اجتماعی در توان بخشی بزهکاران افق روشنی در ارائه‌ی خدمات جدید در عرصه‌ی خدمات اجتماعی است. مددکاران اجتماعی و مؤسسات و نهادهای آموزشی و صنفی این حرفه می‌بایست با برگزاری نشست‌های هم‌اندیشی از فرصت به وجود آمده در قانون مجازات اسلامی جدید بهره‌گیری نمایند. همچنین ضرورت دارد در سرفصل-

مراقبتی ملاحظه می‌شود دادگاه برای نظر تخصصی مددکار اجتماعی جایگاه ویژه‌ای قائل شده است و مددکاران اجتماعی در این جایگاه می‌بایست با رویکردهای تخصصی و حرفه‌ای نظرات کارشناسانه خود را در رابطه با افراد به دادگاه‌ها ارائه نمایند.

در فصل نهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بحث مجازات‌های جایگزین حبس مطرح شده است که اجرای مواد این بخش تأثیر زیادی در کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها و در نتیجه کاهش آسیب روانی، اجتماعی و خانوادگی زندانیان دارد.

در ماده‌ی ۶۴، قانون فوق مجازات‌های جایگزین حبس این‌گونه تعریف شده است: دوره‌ی مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی روزانه و محرومیت از حقوق اجتماعی که در صورت گذشت شاکي و وجود جهات تخفیف باملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت شخصیتی و سابقه‌ی مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال تعیین و اجرا می‌شود. در ماده‌ی ۷۷ قانون مجازات اسلامی ۹۲ در خصوص نقش مددکاران اجتماعی در صدور احکام مجازات‌های جایگزین سخن به میان آمده است. در این ماده عنوان شده است، قاضی اجرای احکام می‌تواند باتوجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم، تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات مورد حکم را به دادگاه صادرکننده رأی پیشنهاد کند. قاضی مذکور به تعداد لازم مددکار اجتماعی و مأمور مراقبت در اختیار دارد، (مولوی چلک، ۱۳۹۳: ۳۸).

مددکاران اجتماعی که در این بخش فعالیت می‌کنند علاوه بر تسلط به مددکاری فردی و تکنیک‌های آن می‌بایست با منابع اجتماعی که می‌توانند به عنوان ظرفیت مجازات جایگزینی حبس در اختیار سیستم قضایی قرار بگیرند آشنایی داشته باشند. مددکاران اجتماعی همیشه نقش مهم و مؤثری در اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان معارض با قانون را داشته‌اند و در قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۸ علی‌رغم اینکه

اجتماعی پس از اتمام فرآیند کیفری نیز اطفال و نوجوانان بزهکار را تحت نظارت داشته و شرایط و وضعیت آنان را پس از اجرای حکم پیگیری نماید و تا اتمام فرآیند مددکاری، حمایت‌های لازم را به عمل آورد. مددکاران در راستای این وظیفه می‌توانند از سازمان‌ها و نهادهای دیگر همچون سازمان بهزیستی، نیروی انتظامی، آموزش و پرورش و غیره کمک بگیرند. پیگیری وضعیت اطفال و نوجوانان بزهکار پس از اجرای حکم باعث می‌شود چنانچه اقدامات حمایتی و هدایتی دادگاه برای برگرداندن بزهکار به زندگی عادی کافی نبوده یا وضعیت مخاطره‌آمیز جدیدی آنان را تهدید می‌کند، اقدامات حمایتی فوری مانند دور کردن بزهکار از محیط خطرزا، معرفی آنان به چرخه‌ی عدالت کیفری می‌شود.

نکته‌ی قابل توجه این‌که جامعه متأسفانه برخورد مناسبی با طفل یا نوجوان بزهکار پس از گذراندن دوره‌ی محکومیت نداشته و در زمینه‌ی اشتغال و ایجاد ارتباطات اجتماعی خود دچار مشکل می‌شوند. به همین دلیل است که باید توقعات بین مددجو (طفل بزهکار) و جامعه متقابل باشد، نه به صورت یک‌طرفه و غیرمنطقی که در این صورت نقش جامعه پنهان مانده است.

علی‌رغم توضیحات فوق، می‌توان گفت که یکی از مؤثرترین اقداماتی که مشاوران و مددکاران اجتماعی می‌توانند پس از اجرای حکم در خصوص اطفال و نوجوانان بزهکار نمایند، آموزش مهارت‌های زندگی به آن‌هاست. همه‌ی انسان‌ها در زندگی خود با سختی و چالش‌هایی روبه‌رو می‌شوند؛ باین‌حال هر کس به شیوه‌ی خاص خود به این مسائل پاسخ می‌دهد. درحالی‌که برخی از افراد در مقابله با مشکلات خود را می‌بازند، خویش را عاجز از حل آن می‌بینند و با افکار و گفتار خود به آن دامن می‌زنند، برخی دیگر از افراد می‌کوشند با ارزیابی درست و منطقی موقعیت و توانایی خود با مشکلات مقابله کنند. نکته‌ی مهم این است که مهارت‌های مقابله با مشکلات قابل فراگیری هستند و می‌توان با صرف وقت و تلاش آن‌ها را به خزانه‌های مقابله‌ای خود افزود. آموزش

های آموزش مددکاران اجتماعی در سطوح مختلف تحصیلی بازنگاری لازم انجام شود و آموزش متناسب با نیاز مددکاران در دستور کار قرار گیرد. به نظر می‌رسد انجمن مددکاران اجتماعی ایران و انجمن علمی مددکاری در اجرایی شدن این قانون می‌توانند نقش‌آفرینی کنند و کلینیک‌های تخصصی مددکاری اجتماعی نیز با اقدامی هدفمند و تجهیز خود به دانش روز در حوزه‌ی کاری جدید ایفاء نقش نمایند؛ بنابراین واحدهای مددکاری اجتماعی موجود در شهرستان اردبیل می‌توانند با توجه به اهمیت و توضیحاتی که در این راستا ارائه شد اقدامات لازم را در ایفای کیفیت وظایف خود انجام دهند.

۴- حضور مشاوران و مددکاران اجتماعی پس از

اجرای حکم

هدف از فرآیند مددکاری اجتماعی، توانمندسازی اطفال و نوجوانان بزهکار است به طوری‌که به استقلال نسبی رسیده و بتواند بر زندگی خود کنترل داشته باشد. در برخی موارد به دلیل عمق مشکلات کودک و نوجوان این فرآیند بسیار طولانی و دیر بازده خواهد بود و ترمیم آثار بزهکاری و پیگیری از تکرار مجدد آن ایجاب می‌کند که فعالیت‌های مددکاری اجتماعی تا رفع کامل خطر ادامه داشته باشد. بدین منظور یکی از مراحل مهم در حرفه‌ی مددکاری اجتماعی، مرحله‌ی پیگیری مددجو پس از رفع مشکل است. اصل حاکم در زمینه‌ی پیگیری این است تا زمانی که افراد به استقلال نسبی دست نیافتند، باید پیگیری انجام شود (لاندمن، ۱۳۸۲: ۸۹).

شروع پیگیری باید در کوتاه‌ترین فاصله از زمان رفع مشکل باشد، اما به مرور زمان می‌توان فاصله بین دفعات پیگیری را بیشتر کرد. البته مواردی همچون شدت و عمق مشکل و میزان تأثیر برنامه‌های اجرا شده در روند حل مشکل نیز در این امر تأثیرگذار است. اگر مددکار اجتماعی در طول مدت پیگیری از بروز مشکلاتی در مددجو یا خانواده‌ی وی مطلع شده باید بلافاصله برای حل مشکل مداخله کند یا در صورت نیاز، آنان را به مؤسسات مربوطه ارجاع دهد بدین ترتیب لازم است نظام عدالت کیفری، ترتیبی فراهم آورد که مددکار

این سازه محصول عوامل متعددی است که شناخت این عوامل می‌تواند نقش مؤثری در کنترل آن متغیرها ایفا نماید. اغلب حرفه‌هایی که با خدمات انسان سروکار دارند جزء شغل‌هایی هستند که فرسودگی بسیاری را ایجاد می‌نمایند و جهت مقابله و کاهش آن آگاهی به عوامل ایجادکننده و میزان این فرسودگی لازم و ضروری است. موقعیت‌های ویژه‌ای که در بعضی از مشاغل وجود دارد سبب افزایش سطح فرسودگی در آن می‌شود (نریمانی، ۱۳۸۸: ۵).

مددکاران اجتماعی شهرستان اردبیل نیز از این قاعده مستثنا نیستند و حتی با مصاحبه‌هایی که با این اشخاص صورت گرفت تعدادی از آن‌ها خواستار استعفا و دوری از محیط کاری می‌باشند که این موضوع می‌تواند به یک چالش جدی تبدیل شود. چراکه آموزش افراد متخصص در کانون اصلاح و تربیت و هم چون تربیت مددکاران جدید نیازمند زمان بسیار بیشتری است که باتوجه به وظیفه‌ی حساسی که این طیف از اشخاص دارند این موضوع قابل توجیه نیست.

- بالا بودن میزان پرونده‌های اجرایی به مددکاران اجتماعی

حجم بالای پرونده‌های مددجویان و ازدحام ارجاع درخواست‌ها و عدم تناسب تعداد پرونده‌ها، نقش قابل توجهی در کاهش بعد کیفی فعالیت مددکاران اجتماعی خواهد داشت که این امر در بسیاری از سازمان‌های متولی مددکاری اجتماعی مستتر است. استاندارد پرونده‌های مددجویان به هر مددکار اجتماعی بایستی حداکثر از چهل پرونده‌ی مددجویی تجاوز نماید درحالی‌که در برخی از سازمان‌ها این میزان از شش صد پرونده نیز فراتر رفته و گاهاً به هشت صد پرونده نیز رسیده است! این موضوع سبب کاهش تمرکز و دقت شخص مددکار می‌شود که اولین شخصی که از این موضوع متضرر می‌شود، مددجو است. در شهرستان اردبیل تعداد پرونده‌های ارجاعی به مددکاران اجتماعی در طول همراه نزدیک به ۱۸۰ پرونده است که این موضوع به یکی از مهم‌ترین موانع و چالش‌ها در راستای ارائه خدمت تبدیل شده

مهارت‌های زندگی، مهارت‌های مقابله‌ای مؤثر را به طفل و نوجوان بزه‌کار و خانواده‌های آن‌ها می‌آموزد و به آن‌ها کمک می‌کند تا کنترل بیشتری بر زندگی خود داشته باشند. مهارت حل مسئله، مهارت خود آرام‌سازی، مهارت حفظ کنترل درونی، استفاده از شوخ‌طبعی، ورزش کردن، مهارت‌های کنترل استرس و عصبانیت، برخی از مواردی هستند که توسط مددکاران پس از اجرای حکم آموزش داده می‌شود (شریعتی، ۱۳۸۹: ۸۹).

بنابراین می‌توان گفت که نقش مشاوران و مددکاران اجتماعی پس از اجرای حکم و مجازات بسیار حائز اهمیت است به گونه‌ای که اهمیت آن بسیار بیشتر از سایر مراحل است اما متأسفانه در کانون اصلاح و تربیت شهرستان اردبیل و همچنین در دادگاه‌های کیفری اطفال و نوجوانان به این موضوع مهم اهمیت زیادی قائل نیستند و به‌طور کلی نهادی که به پیگیری وضعیت اطفال و نوجوانان پردازد وجود ندارد و تمام آن‌ها در مراحل اجرای حکم خاتمه می‌یابد که این موضوع می‌تواند باتوجه به توضیحاتی که در این راستا ارائه شد باعث تکرار جرم از سوی اطفال و نوجوانان شود. وجود نهادهای کنترل‌کننده در خصوص اطفال و نوجوانان پس از اجرای حکم آن‌ها نقش به سزایی در کاهش تکرار جرم از سوی این طیف از اشخاص خواهد داشت که به نظر می‌رسد این موضوع باید در اولویت کاری نهادهای مجری قرار بگیرد.

۵- چالش‌ها و موانع اساسی مددکاری اجتماعی در

شهرستان اردبیل

- فرسودگی شغلی مددکاران اجتماعی

مسئله از آن جهت حائز اهمیت است که فرسودگی شغلی یکی از رایج‌ترین مشکلات در محیط‌های کاری است. ممکن است که همه ما با فشارهایی در منزل، محل کار و یا محیط تحصیل روبه‌رو باشیم. در این مواقع است که احساس تنش یا افسردگی می‌کنیم و مشکلات بسیار زیادی در پی آن حادث می‌شود. متأسفانه این موارد در دنیای شغلی و زندگی نوین بسیار رایج است و جلوه‌های خاصی از فرسودگی شغلی است.

و درمانی طرح خود را پیاده سازیم؛ بنابراین بنا به گفته‌ی مددکاران اجتماعی شهرستان اردبیل می‌توان با ارائه آموزش‌های لازم و تخصصی کافی به مددجویان و مشغول کردن آن‌ها در کارهای موردعلاقه، از توجه صرف به کمک‌های مادی دوری جست که با این کار می‌توانیم علاوه بر اشتغال مددجویان از ارتکاب جرم توسط آن‌ها در آینده نیز پیشگیری کنیم.

۶- راهکارهای مناسب در راستای حضور مشاوران و مددکاران اجتماعی در دادگاه‌های کیفری اطفال و نوجوانان شهرستان اردبیل

بعد از شناخت چالش‌های حضور مشاوران و مددکاران اجتماعی در دادگاه‌های کیفری اطفال و نوجوانان شهرستان اردبیل لازم است در جهت حل این چالش‌ها راهکارهایی ارائه گردد. با مصاحبه‌هایی که با قضات دادگاه اطفال و نوجوانان شهرستان اردبیل صورت گرفت و همچنین با بررسی‌هایی که در نحوه کارکرد مشاوران و مددکاران اجتماعی انجام شد اهم راهکارهایی ایشان در حل این مشکلات ارائه دادند به شرح ذیل است؛ که می‌توان با شناخت عمیق آن‌ها و فراهم کردن زیرساخت‌های لازم از سوی نهادهای مجری بسیاری از این موانع را حل کرد و در راستای اعمال اصول راهبردی دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان قدم مؤثری برداشت. از این سو در طی بندهای جداگانه به شناخت راهکارها و پیشنهادهایی که از سوی اشخاص فوق ارائه گردید پرداخته می‌شود.

- تدوین و تصویب قوانین جامع در خصوص استخدام

بدون شک یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که هر نهادی با آن مواجه است سیستم استخدامی در آن حوزه است که مشاوران و مددکاران اجتماعی نیز از آن مستثنا نیستند چراکه به گفته تعدادی از مددکاران اجتماعی در شهرستان اردبیل این موضوع به یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها تبدیل شده است. قوه مقننه می‌تواند با بهره‌گیری از نظرت قضات محترم دادگاه‌ها و حتی خود مشاوران و مددکاران اجتماعی به این موضوع مهم وارد شده و باعث کاستی این نقص آشکار در سیستم قضایی

است؛ زیرا به دلیل کمبود امکانات و نبودن نیروهای متخصص و کافی رسیدگی پرونده‌ها موجب اطاله شده و بسیاری از پرونده‌ها نیز با دقت کافی بررسی نمی‌شود و این موضوع موجب آسیب به مددجویان نیز خواهد شد.

- عدم به‌روزرسانی نحوه‌ی چیدمان و طبقه‌بندی اطلاعات و گزارشات

بامطالعه‌ی پرونده‌های مربوط به مددکاری اجتماعی مشخص می‌شود که فرم‌های سازمان مخصوص تشکیل پرونده‌ی مربوط به چند دهه‌ی گذشته است که این موضوع باتوجه‌به تغییرات اساسی در نحوه و سبک زندگی مددجویان از چالش‌های اساسی محسوب می‌شود. چراکه هیچ‌گونه بازبینی کیفی در نحوه‌ی این فرم‌ها و بهبود و به‌روزرسانی آن‌ها صورت نگرفته است.

- توجه صرف به کمک‌های مادی

در بیشتر سازمان‌ها بازتوانی به معنای دادن تسهیلات بانکی یا کمک مالی به مددجویان و متعاقباً مختومه نمودن پرونده‌های خلاصه‌شده است که توفیق زیادی نیز در این زمینه به دلیل عدم کارشناسی، عدم شناخت کافی استعدادها و توانایی‌های ذاتی مددجویان حاصل نشده است. مشکلات مددجویان چندوجهی است و معلول علت‌ها چندلایه است و آسیب‌های اجتماعی که به‌صورت زنجیروار در چرخه‌ی زندگی مددجویان گره‌خورده است بایستی کالبدشکافی شده و طبیعتاً به دلایل چندوجهی بودن آن نمی‌توان صرفاً یک نسخه‌ی پیچیده و پرونده را مختومه اعلام کرد.

البته تجربه نشان داده است بازتوانی اقتصادی مددجویان از طریق تسهیلات بانکی در بیشتر مواقع مسمرثر واقع نشده و صرفاً صورت‌مسئله را پاک کرده است. قادرسازی مددجویان یک پروسه کاملاً تخصصی بوده که نیاز مضاعف به علم، تجربه و تخصص تئوری و عملی مددکاری اجتماعی و بسیج امکانات و استفاده‌ی حداکثری از مشارکت حداقلی دارد و بازتوانی مالی وقتی عملی خواهد بود که تمام جوانب و زوایای مداخله را ارزیابی کرده و در قالب یک پروسه‌ی علمی

اجتماعی به‌عنوان بدنه اصلی دادرسی عادلانه در خصوص اطفال و نوجوانان محسوب می‌شود و بی‌توجهی به آن‌ها بدون شک باعث نقض حقوق بنیادین طفل و نوجوان در دادرسی‌های کیفری خواهد شد که این موضوع برخلاف اصل یادشده است.

- ایجاد نظام آموزشی جامع برای مددکاران اجتماعی و

مشاوران

بروز بودن مددکاران اجتماعی و مشاوران در حوزه‌های مختلف از جمله اصول جرم‌شناسی، روان‌شناسی و اصول عملی درمانی یک اصل بنیادین و لاینفک است. پیشنهاد بسیار مؤثری که مددکاران اجتماعی شهرستان اردبیل در این راستا ارائه دادند برگزاری دوره‌ها و کلاس‌های آموزشی در این راستا است که بدون شک آثار این امر مهم بیش از خود مددکاران و مشاوران در خصوص اطفال و نوجوانان خواهد بود؛ چراکه آشنایی با مسائل و امور مهم در خصوص اشخاص فوق در راستای باز اجتماعی کردن آن‌ها و همچنین عدم تکرار جرم بسیار مؤثر خواهد بود.

- توجیه قضات محترم در جهت آگاهی از خدمات

تخصصی مددکاران اجتماعی و مشاوران

باتوجه به اینکه حضور مددکاران اجتماعی و مشاوران در جریان دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان منوط به درخواست قضات محترم است از این‌سو آشنایی ایشان از خدماتی که مددکاران و مشاوران می‌توانند در راستای بهبود دادرسی عادلانه ارائه دهند بسیار حائز اهمیت است. با مصاحبه‌هایی که با مددکاران اجتماعی و مشاوران شهرستان اردبیل صورت گرفت نظر ایشان بر این مورد بوده که بسیاری از قضات محترم دادگاه‌های کیفری اطفال و نوجوانان شهرستان اردبیل از وظایف و خدمات تخصصی مددکاران و مشاوران آگاهی ندارند که می‌توان با برگزاری دوره‌های آموزشی توجیهی برای ایشان تا حدی با این معضل کنار آمد. البته ناگفته نماند که این موضوع نیز در اجرا می‌تواند مشکلاتی را در برداشته باشد که نیازمند بحث مجزا در نوشته‌ها و پژوهش‌های دیگر است.

شود. چراکه با مصاحبه‌هایی که صورت گرفت مشخص شد که عدم وجود مددکاران و مشاوران در حوزه‌های تخصصی از جمله اطفال و نوجوانان، نقض آشکار قانون در این راستا است؛ بنابراین می‌توانیم با تصویب و وضع قوانین مدون در راستای نحوه استخدام و به‌کارگیری نیروهای متخصص و تزریق آن به نهادهای اجرایی تا حد زیاد از آثار این مشکلات بکاهیم.

- تعیین دقیق وظایف و حوزه اختیارات مشاوران و

مددکاران اجتماعی

یکی از مشکلاتی که نهادهای مددکاری اجتماعی و مشاوران در حوزه اطفال و نوجوانان با آن روبه‌رو است عدم آشنایی آن‌ها با حیطه وظایف و اختیارات خود است. چراکه در بسیاری از مواقع بنا به گفته قضات محترم دادگاه‌های کیفری اطفال و نوجوانان شهرستان اردبیل این عدم آگاهی به ضرر طفل و یا نوجوان تمام می‌شود. پیشنهادی که قاضی محترم شعبه یک دادگاه کیفری ویژه نوجوانان ارائه دادند این موضوع است که باید با برگزاری کلاس‌های آموزشی و تخصصی جامع مشاوران و مددکاران اجتماعی در خصوص وظایف و نحوه کار خود و همچنین اختیاراتی که در حوزه کاری خود دارند آشنا شوند که این موضوع تا حد بسیار زیادی در خصوص رعایت اصل راهبردی دادرسی اطفال و نوجوانان مؤثر خواهد بود.

- تعیین حقوق و مزایای متناسب با عملکرد

با مصاحبه‌هایی که با کارکنان محترم مددکاری اجتماعی در شهرستان اردبیل صورت گرفت ایشان علت اصلی عدم مشارکت و حضور خود در دادگاه‌های کیفری اطفال و نوجوانان را عدم کفایت حقوق و مزایا می‌دانند. چراکه ایشان معتقدند باتوجه به سختی کار آن‌ها بخصوص در حوزه اطفال و نوجوانان حقوقی که دریافت می‌کنند متناسب با کار آن‌ها نیست و این موضوع باعث بی‌رغبتی آنان برای مشارکت حداکثری شده است. شایسته است نهادهای مجری به این موضوع مهم توجه ویژه‌ای داشته باشند. چراکه حضور مشاوران و مددکاران

نتیجه‌گیری

باشد. ثالثاً، الزامی نمودن آموزش ضمن خدمت و عدم به‌روزرسانی نحوه‌ی چیدمان مشاوران و مددکاران اجتماعی برای امکان تصدی سمت‌های مذکور از جمله نکاتی است که مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته است؛ بنابراین می‌توان با حل این موانع و مشکلات در خصوص حضور مشاوران راه را برای افتراقی سازی دادرسی اطفال و نوجوانان هموار کرد.

منابع و مأخذ

- ۱- بیات، بهرام؛ همکاران. (۱۳۸۷). *پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماعی محور پیشگیری اجتماعی از جرم*؛ تهران، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، معاونت اجتماعی اداره کل مطالعات اجتماعی.
- ۲- حسامی، سمیه. (۱۳۸۴). «حمایت از زنان بزه دیده خشونت خانوادگی در تحقیقات پلیسی»، *مجله‌ی حقوق دادگستری*، شماره‌ی ۳.
- ۳- خواجه‌نوری، یاسمن. (۱۳۸۶). «سیاست جنایی قضایی ایران در قبال کودکان بزه‌کار»، *فصلنامه‌ی مطالعات پیشگیری از جرم*، شماره‌ی ۴۰.
- ۴- رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۳). *پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماعی محور پیشگیری اجتماعی از جرم*، تهران: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، معاونت اجتماعی اداره کل مطالعات اجتماعی.
- ۵- رضایی، غلام‌حسین، شاکری، یاسر. (۱۳۹۷). «عدالت ترمیمی در نظام حقوقی ایران و دیوان کیفری بین‌المللی»، *پژوهشنامه‌ی حقوق فارس*، سال اول، شماره‌ی اول.
- ۶- شریعتی، مریم، (۱۳۸۹)، «نقش مددکاران اجتماعی در حمایت از کودکان بزه دیده»، *پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی*، دانشگاه تهران.
- ۷- شیرینی، عباس، (۱۳۸۶)، «فرآیندهای عدالت ترمیمی»، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، سال اول، شماره‌ی ۱.
- ۸- صدر زاده افشار، سید محسن، (۱۳۶۶)، «معاضدت قضایی تغییر و مفهوم آن، مجری تطبیقی در حقوق کشورهای

از جمله اصول دادرسی کیفری افتراقی اطفال و نوجوانان شایستگی کسانی است که عهده‌دار امر دادرسی یا اعمال صلاح‌دید در آن هستند. به عبارت دیگر، صرفاً آن دسته از قضاتی صلاحیت رسیدگی به جرائم اطفال را دارند که با داشتن تخصص و تجربه‌ی کافی و آگاهی از نیازهای صغار قادر به اتخاذ مناسب‌ترین برخورد، در جهت منافع عالی‌ه آنان باشند. قانون‌گذار دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به این مهم توجه نموده و مقرر داشته است قضات دادگاه و دادرسی اطفال و نوجوانان را رئیس قوه‌ی قضائیه از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه‌ی خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره‌ی آموزشی و ترجیحاً دارای فرزند انتخاب می‌کند. علاوه بر آن به منظور بهره‌مندی از نظر متخصصان، کاهش اشتباهات قضایی و اتخاذ تصمیم متناسب با وضعیت خاص متهم، قانون‌گذار حضور یک مشاور در دادگاه اطفال و نوجوانان را پیش‌بینی نموده است و نظر مشاور جنبه‌ی مشورتی دارد. مشاوران دادگاه مزبور نیز از بین متخصصان علوم تربیتی، روان‌شناسی، جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روان‌شناختی کودکان و نوجوانان انتخاب می‌شوند. با این وصف مقررات دادرسی در خصوص حضور مشاوران و مددکاران اجتماعی شهرستان اردبیل با برخی از موانع و نارسایی‌ها مواجه است؛ اولاً فرسودگی سنی مددکاران اجتماعی شهرستان اردبیل و به گفته قضات نبودن نیروهای جوان و متخصص کار را برای قاضی دادگاه در تعیین مشاور و مددکار بسیار دشوار کرده است. ثانیاً شایسته بود بهره‌مندی دادگاه اطفال از حداقل دو مشاور به رسمیت شناخته می‌شد که در شهرستان اردبیل حتی یک مشاور هم به‌سختی قابل دسترسی است و به گفته‌ی قضات محترم در بیشتر اوقات از کارمندان اداری برای حضور جلسات دادگاه استفاده می‌شود و علاوه بر آن، اصولاً دادرس ملزم به تبعیت از نظر مشاور می‌گردد، مگر آنکه دادرس قرار مستدل بر رد آن صادر نموده

۱۱- لاندمن، ریچارد، (۱۳۸۲)، پیشگیری و کنترل بزهکاری در نوجوانان، ترجمه‌ی عباس فرد قاسمی، انتشارات معاونت آموزش ناجا.

۱۲- مولوی چلک، حسن، (۱۳۹۳)، مددکاری اجتماعی ۱، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

۱۳- نریمانی، شهلا؛ (۱۳۸۸)، «بررسی مشکلات و چالش‌های مددکاری اجتماعی در ایران»، با کنفرانس ملی توسعه‌ی پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.

باختر»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره‌ی ۲۳.

۹- کدخدایی، نادر، (۱۳۹۶)، «نقش مشاوران و مددکاران اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان (با تکیه بر تحولات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس.

۱۰- کشفی، سید سعید (۱۳۸۷)، «نقش پلیس در دادرسی کودکان و نوجوانان»، فصلنامه‌ی دانش انتظامی، سال دهم، شماره‌ی اول، دانشگاه علوم انتظامی.